

سید غلامرضا موسوی سخنگوی شورای صنفی نمایش طی گزارشی از اکران سال ۸۰ تا ۸۱ سینماهای تهران، آماری اعلام کرد. از ۴۶ فیلم اکران اول اکران ۲۵ فیلم در گروه های چهارگانه سینمایی به نمایش در آمدند و ۱۲ فیلم دیگر در سینماهای آزاد، سه میلیارد و هفتصد و هشتاد میلیون تومان

ویدئویی و در معدودی موارد کانال های ماهواره ای را دین اضافه کرد و البته اسپانسر های تبلیغاتی که این روزها حضورشان برای تولید برخی فیلم ها باعث شده و اساسا بعضی فیلمسازان با تکیه بر این اسپانسر ها تولید فیلم هایشان را شروع می کنند. اما آیا همه این پارامترهای ذکر شده و عواید حاصل، جبران آن

دولت دریافت می کند، نه در اختیار بخش خصوصی می فروشد و قرار دارد، نه شکل و شمایل صنعت در آن روتبت می گردد و با آماری ارائه شده نه تنها سود نمی دهد که ضرربخش است چگونه در یک سال حدود ۸۰ فیلم تولید می کند؟ او ادین ۸۰ فیلم تنها ۴۶ فیلم یعنی تولید ۶۰ درصد آن اکران می گیرد و ۲۰ درصد دیگر در نمایش، سینماهای تهران در سال گذشته به دلیل

برنامه ریزی موفق این شورا برای جذب مخاطب تازه به سالن های سینما فقط فیلم های نوروزی به توجه توزیع و نسبت به سینماهای ایران در این بازار می مربوط می شود. تلویزیونی که اگرچه با تیزر تعداد نمایشهای آن فیلم های نوروزی جهان به خصوص آمریکا سعی در خانه نشین کردن تماشاگر علاقه مند کرد ولی

دغدغه های اکران و بحران سینمای ایران

سید مستغاثی

سوی دیگر با آن روی بردن تیزر فیلم های روی پرده، مخاطب آنها را نیز رها می شد. اما یک نکته ترفیع نیز نمایش فیلم های سینمایی جلب آید اما بعد از تلویزیون و افزون شدن تماشاگران اکران نوروزی سینما وجود دارد. همان نکته ای که بر مسئله ولادت سینما رفتن و فیلم دیدن استوار است.

برخی هنوز خاطراتش هست که با اکران عمومی فیلم افرقندبه در سال ۱۳۷۱ پرده سینماها، پای بسیاری از علاقه مندان سینما که سال ها بود ترک سینما کرده بود مجدداً به سالن های نمایش باز و همین امر سبب رونق اکران تابستان آن سال شد. عادت فیلم دیدن نکته ای بود که تلویزیون در همان چند روز تعطیل به یکباره در میان خانواده ها و دیدگان خوش شایع کرد که جز با نمایش فیلم های جذاب خارجی نمی گذشت. اما در حالی که نباید فقط گسترش آن به طور سیستماتیک در برنامه اکران

تقارن با ایام سوگواری ۲۶ روز تعطیل بوده اند. یعنی حدود یک دوازدهم از سال، بازم به یک حساب می آید نتیجه گرفت با نمایش فیلم های متناوب فیلم فوق (که مثلاً در سه فرآورگی مثل تلویزیون انجام می گیرد) حدود ۳۲۰ میلیون تومان بر عاید یک ساله سینمای ایران افزون می گشت.

۴. در گزارش سخنگوی شورای صنفی نمایش، سینماهای قدس، استقلال، فرهنگ، آفریقا، عصر جدید، سپیده، آستار، بهمن، فراوان، ماندانا، حصار، جوان و پارس به ترتیب با فروش ۱۷۱ و ۱۷۰ میلیون تومان بیشترین تعداد مخاطب را در میان هشتاد سینمای فعال تهران داشته اند که تقریباً همگی امروزه مربوط به خط خیابان انقلاب به بالا می شوند. یعنی سینماهای پایین این خط از فروش های مطلوبی برخوردار نبوده اند. مردم فروش ضعیف، دست و پا می بندند از این راه میباید اوضاع را خدمانی سینمایش نهی



انبارها خاک می خورد یعنی هیچ سرمایه ای بر نمی گرداند، فیلم هایی که در مجموع چند میلیارد تومان هم هزینه ساخت برده اند، این خرجه با هیچ قفل و منطقی قابل تقویم نیست مگر عوامل مالی که باری آن بیابند و قطعاً امروز سینمای ایران ناشی از همین چرخش کاذب می باشد که گریبان این سینما را گرفته است.

۲- در آمار ارائه شده از سوی سخنگوی شورای صنفی نمایش حدود ۹۰ درصد از فروش فیلم های سال ۸۰ مربوط به آثار نمایش داده شده در چهار گروه سینمایی که در مجموع دارای ۶۶ سالن هستند اعلام گردیده و ۱۰ درصد بقیه مربوط به سینماهای خارج از گروه که تعداد ۲۴ سالن را در بر می گیرد، است. سالن های سینما که با به لحاظ استانداردهای نمایشی بسیار زیر خط فقر قرار دارند (چرا که سینماهای به اصطلاح استاندارد گروه های چهارگانه هستند غالباً خدمات نمایشی استاندارد، چه به لحاظ نور و صدا و چه از دیدگاه دیگر، ارائه نمی دهند و یا فیلم های به قول معروف نه کیسه مانده را روی پرده می برند که ساده پسندترین تماشاگر را حتی برای گذران اوقات فراغت جذب نمی کنند.

آیا اگر این ۴۴ سالن در حد ظرفیت کمی و کیفی نمایشی ۳۶ سالن گروه های چهارگانه را بازسازی و مرتب شده و با نمایش فیلم هایی دسته چند انبارها خودداری نمی توانند مقداری از کسری بوجه تولید سینمای ایران را جبران نمایند؟

پایان با یک حساب ساده در صورت رعایت شرط فوق می تواند نمودن در سال ۸۰ به جای ۱۷۲ میلیون تومان یعنی سود نسبت به ۹۸۳ میلیون تومان یعنی جلود هشت بر ابرقم کنونی

۳۲۰ میلیون تومان را می نماید؟ البته بخش مهمی از کسری بوجه های هزینه شده به تهیه کنندگان دولتی و یا فیلم هایی که با حمایت های مالی نهادها و آگن های وابسته به دولت ساخته می شوند، بر می گردد که طبقاً دسترس به سرمایه های که از بیت المال صرف می شود به این دسته از تولید کنندگان خیال آموده تری می بخشد و آنها را حاتم طایی می گرداند! از همین روست که حتی صرف هزینه های میلیاردی برای تبلیغات فیلمی همچون «مریم مقدس» از تلویزیون به کسی بر نمی خورد! اما بخش دیگری از کسری بوجه فوق الذکر متوجه تهیه کنندگان بخش خصوصی است. تازه این کسری از مقدار بوجه ای است که هزینه شده و راجع به سود بهره ای که به هر حال بایستی به سینمای ایران تعلق گیرد هنوز صحبتی نکرده ایم. این در حالی است که در سراسر دنیا سه نوع سینما بیشتر سرانرا داریم: یک نوع سینما که سود می دهد و اساساً یک صنعت محسوب می گردد، مثل سینمای آمریکا و هند و البته سینمای کشورهای اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا و انگلیس نیز تا حدودی در میان همین نوع سینما هستند. دو نوع سینمایی که تحت حمایت دولت و ملکی به جستجوهای جهانی اکران می نمایند بدون دغدغه هزینه های تماشاگر به حیات خود ادامه می دهد مثل سینمای شوروی سابق.

سوم، سینمایی که در سطح بسیار محدود تولید چند فیلم در سال، یک سیستم بینایی با تکیه به جستجوهای جهانی اکران می نمایند مثل سینمای یونان یا سوئد. سوال اینجاست: سینمای ایران که نه به طور کامل تحت حمایت دولت است (اگرچه هنوز به سینما و تولیدهایش راجع عنوان من مختلف «قانون تولید» و «قانون نظارت» و «دفترچه سیاست های معاونت سینمایی وزارت ارشاد» از



حاصل فروش سینماهای نمایش دهنده بود که نزدیک به ۹۰ درصد این فروش مربوط به ۳۶ سالن عضو گروه های سینمایی و ۱۲ درصد بقیه از ۴۴ سالن دیگر به دست آمده است. ۲۲ درصد از نگاه اجمالی از این ارقام ارائه شده تا به نگاه دهنده ای عاید مخاطب تحلیل کرد و علاقه مند به سینمای ایران می گردد.

۱. آگاهان امر مطلع هستند که رقم فروش حاصل از گیشه سینماها در اختیار تهیه کنندگان و صاحبان فیلم که به هر حال سرمایه خود را (چه به صورت وام های مختلف و یا مساعدت های مالی دیگر) برای تولید هزینه کرده اند، گذارده نمی شود بلکه با احتساب سهم سالن های سینما، احوال شهادری، مالیات های گوناگون و بالاخره دریاتی های توزیع کنندگان کالان و حدود یک سوم فروش فیلم در سالن های سینما به تهیه کنندگان و یا سرمایه گذاران باز می گردد که به طور کلی می توان آن را سهم بخش تولید دانست.

با یک حساب ساده می توان دریافت که از حاصل فروش سینماهای تهران تنها یک میلیارد و دو صد و شصت میلیون تومان به این بخش باز می گردد. این در حالی است که هزینه تولید ۴۶ فیلم با رقم متوسط هر فیلم ۸۰ میلیون تومان بالغ بر سه میلیارد و پانصد و هشتاد میلیون تومان می شود. یعنی تا اینجا کار و دو میلیارد و ۱۱ میلیون تومان ضرر نصیب تهیه کنندگان و یا سرمایه گذاران شده است. البته در رقم ارائه شده توسط سخنگوی شورای صنفی نمایش، فروش شهرستان ها در نظر گرفته نشده است. شهرستان هایی با مجموع سالن های چند ده تان و البته بیلت های هزاران باز و در بعضی موارد مشرقی کمتر. می توان رقم فروش فیلم به تلویزیون، شبکه



سینماهای ایران استقبال از نمایش فیلم های ایرانی را نیز نکاتی اساسی دهد. از فیلم خارجی و نمایش صحیح آن در سینماها باید هراس داشت. قطعاً بسیاری از سینماها و با اکران این دسته از فیلم ها (البته باز تأکید می کنم که این اکران بایستی مستمر و سیستماتیک باشد) به شکل یک عادت روزمره به سالن های سینما باز خواهد شد. عادتی که تماشاگر فیلم های ایرانی را نیز دربر خواهد گرفت و تمایل و تمایل مخاطب و فیلم سازان را هر دفترچه سینماگذاری با باید و نیاز نظارتی می تواند سینمای ایران را به سمت و سوی مؤثر سوق دهد.

می کند و نامطلوبی آن اوضاع، عدم مراجعه مخاطب را به دنبال دارد که این دور تسلسل فروش فیلم های سال ۸۰ مربوط به آثار نمایش داده شده در چهار گروه سینمایی که در مجموع دارای ۶۶ سالن هستند اعلام گردیده و ۱۰ درصد بقیه مربوط به سینماهای خارج از گروه که تعداد ۲۴ سالن را در بر می گیرد، است. سالن های سینما که با به لحاظ استانداردهای نمایشی بسیار زیر خط فقر قرار دارند (چرا که سینماهای به اصطلاح استاندارد گروه های چهارگانه هستند غالباً خدمات نمایشی استاندارد، چه به لحاظ نور و صدا و چه از دیدگاه دیگر، ارائه نمی دهند و یا فیلم های به قول معروف نه کیسه مانده را روی پرده می برند که ساده پسندترین تماشاگر را حتی برای گذران اوقات فراغت جذب نمی کنند.

آیا اگر این ۴۴ سالن در حد ظرفیت کمی و کیفی نمایشی ۳۶ سالن گروه های چهارگانه را بازسازی و مرتب شده و با نمایش فیلم هایی دسته چند انبارها خودداری نمی توانند مقداری از کسری بوجه تولید سینمای ایران را جبران نمایند؟

پایان با یک حساب ساده در صورت رعایت شرط فوق می تواند نمودن در سال ۸۰ به جای ۱۷۲ میلیون تومان یعنی جلود هشت بر ابرقم کنونی